



صفحه‌آرا: بهروز قلی‌پور

تجرب

سازمان اوج پردیس چارسو را اجاره کرد



سازمان اوج که در این سال‌ها با ورود به حوزه سینما توانسته فیلم‌های قابل تأملی بسازد، تصمیم گرفته به سینماداری نیز وارد شود. این سازمان که فعالیتی چندوجهی دارد، به‌تازگی پردیس چارسو را اجاره کرده است.

هنوز مدیریت پردیس سینمایی چارسو از سوی اوج مشخص نشده، اما این پردیس که سال‌ها محل میزبانی برخی از جشنواره‌های سینمایی بوده، توسط سازمان اوج اجاره شده است. این پردیس سینمایی عسکالن دارد که قبل‌تر توسط یکی از تهیه‌کنندگان سینما اداره می‌شد.

پردیس چارسو در طبقه ششم یک مرکز تجاری واقع شده، اما به سبب واقع بودن در مرکز شهر علاقه‌مندان به فیلم از این سینما استفاده می‌کنند.

این پردیس سال ۹۳ ساخته شده و بیش از هزار صندلی به ظرفیت سینماهای پایتخت اضافه کرده است. جشنواره‌هایی چون سینماحقیقت سال‌هاست که در این پردیس برگزار می‌شود و چند دوره‌ای نیز محل برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم فجر بود. گاهی هم میزبان کارگردانان هنر و تجربه است.

با توجه به ورود اوج به این پردیس سینمایی و اجاره آن، انتظار می‌رود مدیریت چارسو از گذشته بهتر شود. اینکه اوج فعالیت‌های فرهنگی و هنری داشته و دارد می‌تواند روی فروش فیلم‌ها تأثیر بگذارد.

سازمان اوج مجموعه‌ای گسترده است و تولیدات متنوعی دارد، از تولید فیلم‌های سینمایی و انیمیشن گرفته تا کار مستند و سرود و موسیقی که هر سال در جشنواره‌های مختلف این آثار دیده می‌شوند.



توصیه‌ای که ویلم دفو از جیم هکمن شنیده گرفت

ویلم دفو در گفت‌وگو با «بندی وایر» درباره فیلم جدیدش «افسانه اوچی» که توسط کارگردان تازه‌کاری به نام آری‌ایا سکسون ساخته شده، گفت: «یادم هست جین هکمن وقتی با او کار می‌کردم، به من نصیحتی کرد؛ اینکه «هیچ‌وقت با یک کارگردان تازه‌کار کار نکن». البته مشخص است که به نصیحتش گوش نندادم، روح‌شاد.» (دفو و هکمن فقید در فیلم «سوزاندن می‌سی‌پی» محصول ۱۹۸۸ همیازی بودند)

دفو در حال حاضر جزو بازیگرانی است که انتخاب‌های دستچین‌شده‌ای از سوی کارگردان برجسته دارد. او فقط در سال ۲۰۲۴ در فیلم‌هایی از رابرت اگرز، یورگوس لانتیموس، تیم برتون و جیسون ریتمن بازی کرده است. پس برای یک فیلمساز تازه‌کار، خیلی کار سختی است که او را تحت تأثیر قرار دهد، اما سکسون و نخستین ساخته‌اش «افسانه اوچی» چیز خاصی بودند.

این فیلم یادآور حماسه‌های فانتزی مثل «قصه‌بی‌پایان» است و تماشاگر را با نقاشی‌های مات و عروسک‌هایی خیره‌کننده وارد دنیای خیالی کارپانتیا می‌کند؛ شهری که مردمش از گونه‌ای بازمه و عجیب به نام اوچی وحشت دارند. هیچ‌کس بیشتر از شخصیت ماکسیم با بازی دفو از این موجودات متغفر نیست. او آنها را مسئول مرگ همسرش می‌داند و ارتشی از پسران جوان تشکیل می‌دهد تا موجودات جادویی را از جنگل‌های کارپانتیا پاکسازی کند.

چه چیزی دفو را قانع کرد که زره دوران جنگ جهانی اول را بپوشد و همراه گروهی از پچه‌ها به‌دنبال موجودی بازمه شبیه گرملین بدود؟

این بازیگر می‌گوید تر کبیی از سابقه سکسون در انیمیشن که سال‌ها سبک خاص استاپ‌موشن خود را در موزیک ویدئوها از طریق استودپویش Encyclopedia Pictura به‌کار گرفته و اشتیاقی

خالص او به پروژه باعث شد دفو نتواند مقاومت کند. دفو گفت: «وقتی کسی با اشتیاقی خاص و دیدگاهی شخصی سراغ کاری می‌آید، به‌نظرم چیزی است که شاید نتوانم با قطعیت بگویم، ولی حس می‌کنم آری‌ایا مدت‌ها با این داستان زندگی کرده است. این پروژه انگیزه قوی‌ای پشتش داشت؛ فقط یک فیلم معمولی نبود. آدم دوست دارد با کسی کار کند که اگر این پروژه را نسازد، می‌میرد.»

همه می‌خواهند بازیگر شوند

هوشنگ توکلی، بازیگر، پیش از ۹۰درصد متقاضیان فعالیت در تئاتر، در وهله اول تمایل دارند بازیگر شوند. حتی در نظام آموزش رسمی ما، ازجمله دانشگاه‌ها نیز شاهد همین گرایش هستیم. سایر فنون و تخصص‌ها نه‌تنها شناخته‌شده نیستند، بلکه اغلب مورد توجه قرار نمی‌گیرند. / سینماپرس



شقایق عرفی نژاد روزنامه‌نگار

به تازگی تیزر سریال بامداد خمار منتشر شده و این یعنی در آینده‌ای نزدیک شاهد پخش آن در شبکه نمایش خانگی خواهیم بود. «بامداد خمار» به کارگردانی نرگس آبیار اقبتابسی است از یک رمان فارسی پر فروش به همین اسم

نوشته فتنانه حاج سیدجوادی که در میانه‌های دهه ۷۰ خوانندگان بسیاری پیدا کرد. از مدت‌ها پیش هم خبر ساخته شدن سریالی با اقتباس از این رمان به گوش می‌رسید. چند کارگردان و تهیه‌کننده با فاصله‌های کم دست به ساخت این سریال زدند که البته به نتیجه نرسید. ازجمله کیانوش عیاری که طرح آن را آماده کرده بود اما هیچ‌گاه به مرحله پیش‌تولید هم نرسید. بعد از آن در تیرماه ۱۴۰۰ پیش‌تولید سریال بامداد خمار بر اساس رمان پر فروش بامداد خمار نوشته فتنانه حاج سیدجوادی با کارگردانی ابراهیم ایرج‌زاد، کارگردان فیلم «عنکبوت» شروع شد و بازیگران اصلی آن هم انطور که اعلام شده بود، ساعد سهیلی، مهرداد صدیقیان و سارا رسول‌زاده بودند. مدت کوتاهی بعد ایرج‌زاد از این

این اقتباس موفق خواهد بود؟

اقتباس ادبی در سینما و سریال‌سازی ایران سابقه طولانی ولی نمونه‌های اندکی دارد. از فیلم «گاو» داریوش مهرجویی که اقتباسی از یک داستان غلامحسین ساعدی بود تا امروز تعداد کمی اقتباس صورت گرفته است. در شبکه نمایش خانگی هم می‌توان نمونه‌هایی از این اقتباس‌ها دید. از جمله «زخم کاری» که هم اقتباسی از رمان ۲۰ زخم کاری نوشته محمود حسینی‌زاد بود و هر فصلش بر داشتی از یکی از نمایشنامه‌های شکسپیر. سریال بازنده هم یک سریال اقتباسی بود که این بار از یک رمان خارجی بود. زخم کاری در فصل اول در جذب مخاطب موفق، اما با پایان این فصل محمود حسینی‌زاد در مصاحبه‌ای اعلام کرده از این اقتباس راضی نیست و گفته بود: «شخصیت‌هایی که ساخته و پرداخته رمان او هستند سرنوشته پیدا کرده‌اند که از ربناطی باثرا و نادانند.» بقیه فصل‌های سریال به همین دلیل بدون اقتباس از کتاب و با داستان‌ها و

«تاراج» و جمشید هاشم‌پور به سبک جیبلی

جیبلی اندازه زینال واقعی درد در چهره‌اش منعکس نیست و احمد جیبلی هم به وضوح از احمد اصلی جوان‌تر است که همه این تغییرات خاص سبک استودیو جیبلی است.

«تاراج» داستان زینال بندری، قاچاقچی سابقه‌دار، تریاک و حبشش است که به دست ستوان احمد، رئیس اداره مبارزه با مواد مخدر، دستگیر و روانه زندان می‌شود، اما با پرداخت رشوه حکومت خود راه حبس تقلیل می‌دهد و پس از یک سال، به دلیل خوش رفتاری، آزاد می‌شود. بار دوم که پس از درگیری و مجروحیت، در ملاقاتی که با عوامل شبکه گسترده توزیع مواد مخدر دارد، خام حرف‌های آنها می‌شود و تصمیم می‌گیرد ستوان احمد را در دستگیری قاچاقچیان یاری دهد.

او با کمک احمد، شبکه توزیع تریاک را متفرق می‌کند، ولی در عوض توزیع گسترده هروئین رونق می‌گیرد. دوستی گرمی بین احمد و زینال برقرار می‌شود. احمد درمی‌یابد که پسر زینال نیز معتاد به هروئین است. زینال پسرش را در زیرزمین خانه حبس می‌کند تا اعتیاد او را ترک دهد. بعد از آن زینال و احمد هم‌قسم می‌شوند که سرمنشأ این فساد را از میان بردارند. با پیشرفت هر روزه هوش مصنوعی باید منتظر بود که در روزها و ماه‌های آتی موج‌های دیگری از تصاویر دستکاری‌شده به راه بیفتد و منابع غلیم آرشویی در سراسر جهان به شکل‌های جدید و جذابی بازآفرینی شوند.

هنوز تب تبدیل عکس‌های خانوادگی، دوستانه، کاری، سیاسی و ... به نقاشی‌هایی به سبک و سیاق انیمیشن‌های «استودیو جیبلی» (Studio Ghibli)

فروکش نکرده، اما از آن ذوق و شوق اولیه قدری کاسته شده است. از زمانی که هوش مصنوعی از این قابلیتش رونمایی کرد، انواع و اقسام تصاویر به لطف هوش مصنوعی به شکل انیمیشن‌های جیبلی بازسازی شده است.

دنیای کارتونی انیمیشن‌های جیبلی حتی عکس‌های مهم لحظات تاریخی را که ممکن است تلخ و عبوس باشند، به لحظهای بامزه و دوست‌داشتنی تبدیل می‌کند. در یکی از بازمه‌ترین عکس‌هایی که به‌اصطلاح جیبلی شده، تصویری از فیلم «تاراج»، ساخته ایرج قادری پیدا کردیم که در آن بهزاد جوانبخش و جمشید هاشم‌پور دیده می‌شوند.

دست‌دستگیری زینال بندری (جمشید هاشم‌پور) به حسنه ستوان احمد (بهزاد جوانبخش) که صحنه مهمی در فیلم است، سعی شده کاملا جدی اجرا شود و حتی قدری خشونت هم جاشنی آن شده، در عکس تولید شده با هوش مصنوعی به سبک انیمیشن‌های جیبلی خیلی بانمک از کار درآمده است.

البته تصویر کارتونی نسبت به تصویر اصلی تفاوت‌هایی دارد؛ زینال

«عوارض جانبی» پژمان جمشیدی و محسن کبابی

پژمان جمشیدی و محسن کبابی بعد از ۳ همکاری موفق در گیشه، حالا یک‌بار دیگر همیازی می‌شوند. «عوارض جانبی» یک کمدی است که بعد از فیلم‌های «لونه زنبور»، «دینامیت» و «هتل» بار دیگر ۲ بازیگر پر مخاطب را در کنار هم قرار داده است. فیلم را حسین فرحبخش ساخته که علاوه بر کارگردانی تهیه‌کنندگی آن را هم برعهده داشته است. فرحبخش همراه عبدالله علیخانی به‌عنوان تهیه‌کنندگان فیلم‌های پر فروش شناخته می‌شوند، فیلم‌هایی مثل «آواز قو»، «کما»، «عروس فراری»، «رژیم طلایی»، «خالتوو» و این اواخر «مفت بر» و «شهر هرت» او پیش از ساخت «عوارض جانبی» تجربه ساخت یک فیلم دیگر را هم دارد، «زندگی خصوصی» که سال ۱۴۰۱ با کارگردانی حسین فرحبخش و تهیه‌کنندگی عبدالله علیخانی ساخته شد و بر خلاف فیلم‌های پیشین که فرحبخش تهیه کرده بود، کمدی نبود. فیلم با بازی هانیه توسلی و فرهاد اصلانی درباره مردی به نام ابراهیم است که در ابتدا تندرو بوده، ولی پس از اخراج از مشاغل دولتی به‌عنوان اپوزیسیون در روزنامه‌اش آغاز به انتشار مطالب جنجالی می‌کند و شیوه زندگی‌اش به‌طور کامل عوض می‌شود. فیلم در آن سال فقط ۶ روز اکران و بعد توقیف شد. حالا در دومین تجربه کارگردانی، فرحبخش سراغ یک کمدی رفته و با حضور ۲ بازیگری که همبازی شدن‌شان، امتحان پس داده است، احتمالا یک فیلم پر فروش دیگر خواهد ساخت.

زوج محبوب

پژمان جمشیدی و محسن کبابی، نخستین بار در فیلم «لونه زنبور» ساخته برزو نیک‌زاد با متنی از محسن کبابی در کنار هم قرار گرفتند. فیلم بعدی آنها دینامیت بود که با کارگردانی مسعود اطیابی و تهیه‌کنندگی ابراهیم عامریان سال ۱۳۹۷ ساخته شد. در این فیلم محسن کبابی و پژمان جمشیدی مثل «لونه زنبور» زوج کمدین نبودند و به جای کبابی، احمد مهرانفرا با پژمان جمشیدی داستان را پیش می‌بردند. در همکاری بعدی این ۲ بازیگر، آنها باز بار ترم هم بودند. با توجه به موفقیت این فیلم‌ها در گیشه می‌توان حدس زد مخاطب از «عوارض جانبی» هم استقبال کند.



اکران آنلاین «صیاد»

محمدرضا شفیعی، تهیه‌کننده فیلم «صیاد»: طبق برنامه‌ریزی، ما در هفته سوم اکران عمومی و سیار به اکران آنلاین می‌رویم. برای این کار هم دلیل داریم. به هر حال هر فیلمی مخاطب خاص خودش را دارد و بسیاری از مخاطبان منتظر تماشای این فیلم در نمایش خانگی هستند. / ایستا

کوتاه‌تر از گزارش



پر فروش ترین فیلم سینمای ایران در اکران آنلاین

«هفتاد سی» از آخر هفته به نمایش خانگی می‌آید

«هفتاد سی» بعد از ۴ ماه اکران و نزدیک به ۶ میلیون بیننده به اکرانش پایان داد.

به گزارش همشهری، به علاقه زیادی که مخاطبان به بازی‌های بهرام افشاری نشان داده‌اند و فروش بسیار بالای فیلم‌هایش، طبیعی بود که نخستین ساخته‌اش هم بتواند رکورددار شود. هفتادسی با بازی خود افشاری و هوتن شکیبا از آذرماه سال گذشته روی پرده رفت و حالا با ۶ میلیون مخاطب و ۳۶۰ میلیارد فروش پر فروش‌ترین فیلم سینمای ایران عنوان گرفته است؛ هرچند چنین القابی با توجه به گذر سال‌ها و تفاوت قیمت بلیت و میزان جمعیت چندان دقیق نمی‌تواند باشد. این فیلم در میانه‌های فروش توانست از فروش نرگاس ۳ هم سبقت بگیرد و در نهایت به نوعی رکورد فروش فیلم فسیل با بازی خود بهرام افشاری را هم شکست. فسیل در سال ۱۴۰۳ با ۹ ماه اکران توانست ۷ میلیون مخاطب و ۳۲۵ میلیارد تومان فروش داشته باشد؛ بنابراین با توجه به اکران ۴ ماهه هفتادسی و ۶ میلیون مخاطب می‌توان گفت این فیلم از فسیل هم تماشاگر و فروش بیشتری داشته است که البته در نهایت برنده هر دو فیلم عامریان فیلم و ابراهیم عامریان به‌عنوان تهیه‌کننده است.

یک کمدی قابل قبول با ادامه ابتدال سینمای کمدی؟



هفتادسی ماجرای ۲ دوست به نام‌های برات و پرویز است که سعی دارند مرد سالخورده‌ای را که برنده یک قرعه‌کشی شده است، سالم نگه دارند تا بتوانند بخشی از این جایزه را مال خود کنند، اما دکتر تشخیص می‌دهد که او بیمار است و به‌زودی خواهد مرد. تلاش آنها برای زنده نگه داشتن مرد، ماجراهای خنده‌داری ایجاد می‌کند. فیلم با اینکه اشکالاتی در فیلمنامه و ساخت دارد و از فرمول رایج کمدی‌های این سال‌ها تبعیت می‌کند (مردمخور بودن، رقص‌های مردانه، دیالوگ‌هایی که به‌نظر اعتراضی هستند و استفاده از لحن و لهجه و میمیک صورت) اما باز در مقایسه با کمدی‌هایی مثل خرنج‌گ و آهنگ دونفره و شهر هرت آبرومندانه‌تر است. هرچند بهرام افشاری در بازی همان است که در فیلم‌های دیگر و مثلا در فسیل دیده‌ایم، شخصیت پردازی ضعیف است، فیلمنامه مشکل دارد و کمدی بیشتر در کلام شکل می‌گیرد، اما دست کم بسیار کمتر از کمدی‌های دیگر در آن رمان او هستند سرنوشته پیدا کرده‌اند که از ربناطی باثرا و نادانند.» بقیه فصل‌های جنسی استفاده شده و فضاسازی خوبی دارد.

اکران آنلاین

پایان اکران در سینماها البته پایان راه هفتادسی نیست. این فیلم از آخر این هفته توسط یکی از پلتفرم‌های پخش آنلاین فیلم و سریال به شکل آنلاین اکران می‌شود و از همین حالا هم می‌توان پیش‌بینی کرد فروش آنلاین موقعی خواهد داشت.

عقاب‌ها؛ همچنان رکورددار مخاطب



عقاب‌های ساموئل خاچیکیان یک پدیده در فروش است. این فیلم با حضور سعید راد، جمشید هاشم‌پور، زری برومند، شهاب عسگری و رضا رویگری سال ۶۳ساخته و یک سال بعد اکران شد. استقبال تماشاگران از این فیلم در زمان جنگ به حدی زیاد بود که آن را تا امروز پر مخاطب‌ترین و پر فروش‌ترین فیلم سینمای ایران (با توجه به تفاوت قیمت بلیت) نگه داشته است. نکته جالب اینکه فیلم بین سال‌های ۶۴ تا ۸۵ به‌طور متناوب اکران شد و در مجموع ۱۰ میلیون تماشاگر داشت. خاچیکیان البته فیلم‌های پر فروش دیگری هم دارد؛ از جمله توفان در شهر ما که تصویر جمعیتی که در خیابان برای خرید بلیت این فیلم تجمع کردند، حیرت‌انگیز است. داستان عقاب‌ها بر پایه رویداد واقعی نجات خلیان نیروی هوایی ایران به نام یدالله شریفی‌راد به وسیله کرده‌ای عراقی و انتقال او به ایران شکل گرفته است. در جنگ عراق و ایران یک هوایمای نیروی هوایی ارتش ایران، پس از انجام مأموریتی در خاک عراق، مورد حمله عراقی‌ها قرار می‌گیرد و در کردستان عراق سقوط می‌کند.

نیروهای نظامی عراق از پی دستگیری و اسارت او هستند که یک تکاور ارتش که برای مأموریتی در خاک عراق با لباس میدل کردی حضور دارد اقدام به نجات خلیان می‌کند. این دو ابتدا با کمک مبارزان کرد عراقی به روستای کردنشینی پناه می‌برند و بعد از ۲ بار حمله عراقی‌ها، خودشان را به نیروهای ایرانی لب مرز می‌رسانند و هلی‌کوپتر عراقی که به‌دنبال آنهاست با آتش نیروهای ایرانی سرنگون می‌شود.